

تاریخ تشکیلات سیاسی و حقوقی در جهان

۱۶

فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو سرچشمه افکار سیاسی تا زمان حاضر بوده است ولی در اوضاع یونان تأثیر فوری نداشت زیرا عملاً مورد استفاده واقع نشد و فرضیه‌های مندرج در دو فلسفه مزبور از جنبه علمی و بحث تجاوز نکرد و حتی از جنبه تحقیق و بحث هم تا دو قرن بعد از آنها وسعت نیافت بعضی علت آنرا گفته‌اند که این دو فیلسوف بزرگ از جنبه تحقیقی در فلسفه سیاست مطالبی باقی نگذاشته‌اند و آنچه لازمه تحقیق بوده و در اطراف آن نموده‌اند و لذا نظریه افلاطون تا با امروز مبنای علوم اجتماعی قرار دارد و فلسفه ارسطو تا کنون از فلسفه سیاسی اروپا حذف نشده چنانچه ملاحظه میشود عموم فلاسفه و متفکرین بشری تا با امروز استشهاد بگفتار ارسطو و رجوع بعقاید افلاطون میکنند و همین سرمایه‌ها از یونان بروم انتقال یافت و سرمشق تمدن آتن گردید .

تشکیلات سیاسی روم

در ابتدا زمام امور ملت روم بدست پادشاهی بود که خود را منتخب ملت و برگزیده خدایان میدانست .

اصولاً پادشاه از طرف ملت با شرایط و کیفیت خاص انتخاب میشد .

کشور روم قدیم بدست پادشاه اداره میشد لکن بر حسب ظاهر مجلس ملی و سنا در اعمال پادشاه نظارت داشت مجلس ملی تشکیل مییافت از نمایندگان تمام طبقات افراد ملت اعم از خواص و برزگران که بسی شعبه تقسیم میشدند انتخاب سلاطین و

تصویب صلح و جنگ بعهدہ این مجلس بود و همواره این مجلس بدعوت پادشاه تشکیل مییافت .

مجلس سنا بوسیله سیصد نفر از مشایخ و بزرگان قبائل بانتخاب شاه تشکیل مییافت و میتوانست با اسم دولت با خدایان مربوط شود ولی چون برای پادشاه مقدور نبود بتنهائی متکفل تمام امور شود ناچار اختیارات خویش را باشخاص دیگر سپرده و آنها را مأمور میکرد هر يك با خدای مخصوصی مربوط شوند و لذا همواره پادشاه مشاورین مذهبی متعددی داشت که غالباً از طبقه کشیشان بودند کشیشان رومی طبقه مخصوصی را تشکیل نمیدادند و غالباً اشخاصی با حفظ سمت کشیشی سناتور یا قاضی بودند.

ارتباط مشاورین مذهبی با خدایان غالباً بوسیله تطیرو تفال بوده مأمورین تطیر در هنگام تفال و استخاره با عصای سر کج مخصوص بخود در آسمان علامت مرعی ترسیم میکردند و در آن محیط ترسیم شده آواز و پرواز طیور را بدقت ملاحظه میکردند و بآن وسیله سعد و نحس ایام و ساعات خیر و شر امور و بالاخره نظریه خدایان را کسب مینمودند .

رومیهای قدیم در امور مذهبی خیلی موهوم پرست و زود باور بودند و لذا از رجش خدایانی که پذیرفته بودند میترسیدند و قبل از اقدام بهر کاری رأی خدایان را بوسیله تطیرو تفالهای گوناگون استعمال مینمودند .

رم و اختلافات طبقاتی

اختلافات طبقاتی در رم قدیم بشدت رواج داشت قریب دوست سال کشمکش بین خواص و عوام برقرار بود و بالاخره در سال ۴۵۰ قبل از میلاد منجر بتصویب الواح دوازده گانه گردید که بموجب آن قانون تساوی حقوق مدنی بملت روم اعطاشد و بمرور حق تصدی تمام مشاغل اداری و مناصب قضائی را طبقه عوام احراز نمودند . در سال ۵۰۹ قبل از میلاد انقلابی بدست متنفذین و اعیان که از طبقه خواص بودند صورت گرفت رژیم سلطنتی در این انقلاب ملغی و رژیم جمهوری برقرار شد چون

حکومت بنفع خواص بود حق عضویت سنا و احراز مقام کنسولی و دیکتاتوری فقط منحصر بطبقه خواص بود پلیسینها یعنی طبقه عوام از مظالم آنان بستوه آمده قیام کرده و بمخالفت و منازعه پرداختند و این اختلاف در سال ۵۰۰ قبل از میلاد تا سال سیصد بطول انجامید بالاخره طبقه عوام که اکثریت ملت را تشکیل میدادند غلبه نموده و حق تساوی کامل بدست آوردند در اواخر قرن چهارم قبل از میلاد رومیان برای تسخیر ایتالیا در جنگ بودند و چند طبقه برزگران و عوام که اکثریت داشتند و افراد لشکر و جنگ آور از این طبقه بودند طبقه خواص ناچار بودند با آنها موافقت نمایند لذا تساوی در حق بطبقه عوام داده شد ولی با موقعیتی که نصیب طبقه عوام شده بود مشکل قرضه درین بود باین توضیح که پس از مراجعت برزگران از جنگ املاک آنها مخروبه گشته و برای عمران املاک خود احتیاج بسرمایه و پول داشتند ناچار باستقراض از اعیان و طبقه خواص میشدند غالباً مدیونین سر موعد قادر بپرداخت دیون خود نبودند در اینصورت داین حق داشت مدیون خود را بزندان فرستد یا او را در مقابل بدهی که دارد بنده خود سازد بنا بر این مسئله قرضه در رم نیز مانند آن در زمان سولون مشکلی شده بود و همواره موجب هیجان و انقلاب بود (نپلیو) مورخ مشهور مینویسد روزی پیرمردی که از هیکل او علائم مصایب کاملاً آشکار بود در میدان فروم ظاهر شد پیکر نحیف و رنگ پریده وی موجب ملالت خاطر حاضرین گردید لباس کهنه و درازی ریش و زلفش قیافه مهبجی باو بخشیده بود مع الوصف مردم او را شناختند که یک ساتورین بوده در جنگهای متعدد ابرارلیاقت کرده و مورد تمجید و تقدیر واقع شده این مرد آثار جراحات وارده بخود را که حکایت از جنگ آوری و شجاعت وی میکرد ب مردم نشان داد و گفت زمانیکه بجنگ اشتغال داشتم سامینینها تمام محصول مرا غارت کردند و املاک مرا خراب و ویران نمودند پس از خاتمه جنگ برای عمران املاک خود مجبور به - استقراض گردیدم چون سر موعد نتوانستم بدهی خود را پرداخت کنم ناچار در مقابل اصل و فرع دیون خود تمام مایملک خود را فروختم مع الوصف در مقابل بقیه بدهی خود طلبکاری رحیم با من مثل زندانیان بلکه میرغضب رفتار میکنند آنوقت آثار ضربه های شلاق را ب مردم نشان میداد از این قبیل موارد زیاد بود که موجب هیجان

عمومی میگشت تا بالاخره انجمنهای کمیسیون سائتورات و کمیسیون تربیوت تشکیل گردید در این مجالس طبقه عوام مقام مهمی احراز کرده بودند مع الوصف کاملاً از تبعیت خواص خلاص نشده بودند زیرا در روم قوانین مدنی وجود نداشت که طبق آن قوانین اجرای عدالت شود بلکه قوانین عبارت بود از يك سلسله مقرراتی که علم منحصر بخواص و اعضای مجلس سنا بود لذا پلین هاعدم رضایت خود را از این وضع اظهار کردند و یکی از نمایندگان آنها تقاضا نمود مجموعه قوانین نوشته شود و بین عموم ملت منتشر گردد مجلس سنا باین تقاضا مخالفت میکرد و آنرا برخلاف آئین و مذهب میدانست بطوریکه قبلاً اشاره شد اکثریت ملت رم موهوم پرست و زود باور بودند طبقه خواص از ضعف اکثریت در این قسمت استفاده کرده میگفتند علم بقوانین و اجرای آن تابع نظریه خدایانی است که واسطه آنها با خواص میباشد . لذا انتشار آن موجب رنجش خدایان میگردد همین مستندات موهوم ده سال مجلس سنا مقاومت کرد تا بالاخره در اثر اغتشاشات و فشار عمومی سنا ناچار تسلیم گشته و هیئتی مرکب از سه نفر برای تحقیق و تدقیق در قوانین بیلابد یونانی که سابقه در تدوین قوانین داشت اعزام نمود پس از مراجعت مأمورین ده نفر از خواص برای تدوین مجموعه قوانین انتخاب شدند این هیئت ده نفری که بنام (دسمویر) نامیده میشدند در تمام مدتی که تهیه قوانین اشتغال داشتند صاحب امتیاز مطلق رم محسوب میشدند چون دوره مأموریت یکسال رسید قسمتی از قوانین را هم تدوین کرده بودند بسبب يك هیجان ملی نه نفر از آنانرا ملت از کاربر کنار نمود فقط يك نفر از آنها بنام اپیوس کلیدوس که مورد حمایت ملت بود تأیید شد و نه نفر همکار دیگر برای او انتخاب نمودند لکن آن عده هم که از طبقه خواص بودند و جبار بودند در اندک مدتی مورد نفرت و شورش مردم گشته بعضی انتحار نمودند و برخی هم تبعید شدند ناچار ملت مصوبات ده نفر قضات اولیه را محفوظ داشته و بر روی دوازده میز مفرغ حک نمودند او ایچ دوازده گانه اولین قانون کتبی است که در روم قدیم تدوین و بموقع اجرا گذارده شد این قانون شامل اصول و احکام مختلفی است که میباشد .

بموجب قوانین لوایح دوازده گانه سلطنت در رم از حقوق ملت شناخته شده که بهر کس صلاح بداند تفویض مینماید تصمیمات ملت لازم الاجرا میباشد حکومت قانون نسبت به تمام افراد یکسان میباشد در این صورت قانون لوایح دوازده گانه امتیازات طبقاتی را در مقابل قانون لغو نمود و بموجب قانون امتیازاتی هم برای طبقه خواص مقرر شد مثلا مزاجت خواص با عوام جایز شده نشد چون عروسی خواص از جمله مراسم مذهبی محسوب بوده عوام نمیتوانستند در آن شرکت کنند و همچنین طبقه عوام حق تصدی مقامات قضائی و مناصب لشکری را نداشتند بالاخره کانولیوس نماینده عوام در مجلس ملی باین سلسله امتیازات اعتراض نمود طبقه خواص این پیشنهاد کانولیوس را شرم آور تلقی میکردند و آنرا برخلاف عقاید طبقاتی و عادات قدیمه میدانستند ولی جدیت و فشار کانولیوس نتیجه داد و آن امتیازات را نیز لغو نمود ولی موضوع قرضه و مقررات غیر عادلانه ای که برخلاف اصول انسانیت بود و قضات عشره آن مقررات را در لوایح دوازده گانه بنفع متمولین و صاحبان سرمایه تصویب کرده بودند مشکلی - طاقت فرسا برای طبقه عوام و اکثریت ملت روم که غالباً بزرگران بودند بوجود آورده بود گرچه در اصول حقوق مدنی طبقه عوام دارای حقوق مساوی بودند لکن بموجب همین مقررات و استفاده از سرمایه خود بر طبقه عوام و بزرگران حکومت میکردند و آنها را تحت فشار مظالم خود قرار میدادند در اینجا موادی که البرماله راجع بقرضه از لوایح دوازده گانه نقل کرده عیناً برای استحضار نقل میکنیم .

(اگر مقروض نتواند دین خود را ادا نماید داین حق دارد او را بقتل برساند یا در مالک تیر بفرودد - هر گاه تعداد طلبکاران از يك نفر تجاوز کند میتواند پس - از گذشتن شصت روز از موعد اداء دین بدن بدهکار را قطعه قطعه نمایند .

بطوریکه ملاحظه میشود مفاد این سلسله از قوانین عملاً بنفع متمولین که قهراً از طبقه خواص بودند تمام میشد زیرا آنها بودند کسانی که همواره دائن و طلبکار بودند و بدین وسیله طبقه اکثریت که زارع و بزرگران بودند ناچار باستقراض از متمولین طبقه خواص بودند و عاقبت و سرنوشت آنان با مقررات جبارانه قانون بود بنابراین گرچه

حکومت قانون نسبت به تمام طبقات یکسان بود و چنانچه از طبقه خواص هم مقروض میشد قانون بهمان نحو جبارانه در باره او اجرای میشد لکن ثروت بدست افرادی بود که همان طبقه خواص بودند در هر صورت طبقه عوام موفقیت شایانی که بدست آوردند انغای امتیازات طبقاتی و حکومت قانون نسبت به تمام طبقات بطور یکنواخت بود ملت روم از همان حدود قرن سوم قبل از میلاد این اصل را محفوظ و محترم داشتند و باین کیفیت کشمکس طبقاتی تقریباً خاتمه پذیرفت و حکومت در دست مجالس عمومی یا کمیسیون و مأمورین عالی مقام دولتی و مجلس سنا بود تمام افراد ملت در حوزه های کمیسیون ساتوریات و انجمنهای ملی جمع شده قوانین را تصویب و رؤسای دولت و یریتین ها را انتخاب میکردند روسای دولت در آن موقع عبارت بودند از دو کنسول و دو سانسور (رؤسای احصائیه) یک پرتور (رئیس محکمه عدالت) چند نفر کنسور (خزانه دار) و عده ادیل (رؤسای پلیس) لکن قدرت و زمام امور در دست مجلس سنا بود.

اعضای مجلس سنا از طرف رؤسای احصائیه انتخاب میشدند طبق قانون سناتور ها از کسانی انتخاب میشدند که سابقاً مناصب مهم کشوری یا لشکری داشته اند مقرراتی که در مجلس ملی تصویب میشد دولت به مجلس سنا عرضه میداشت هنگامی مصوبات دولت قابل اجرا بود که مجلس سنا موافقت خود را اعلام میداشت با این کیفیت تا اوائل قرن یکم قبل از میلاد صلح و آرامش داخلی در روم حکم فرما بود و حکومت جمهوری منظمأ جریان خود را سیر میکرد.